

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Economic

اقتصادی

نویسنده: لو بلیایف
برگردان: ابراهیم شیری
۱۰ فبروری ۲۰۲۴



لو بلیایف

اقتصاد سیاسی سوسیالیسم

(۴)

۲.۱ کار برای جامعه و قیمت خردهفروشی اقلام مصرفی

در اینجا ما یک الگوی مهم قیمت‌گذاری در شیوه تولید سوسیالیستی را - لزوم افزایش قیمت خردهفروشی اغلب اقلام مصرفی (و خدمات پولی) تا حد بالاتر از قیمت‌های «حسابداری» مطابق با هزینه‌های نیروی کار (زنده و مادی) برای تولید آن‌ها مورد بررسی قرار خواهیم داد. برای حفظ تعادل پولی کشور، برای اطمینان از برابری تقریباً درآمد و هزینه‌های پولی جمعیت، لازم است قیمت خردهفروشی افزایش یابد.

واقعیت این است اقلام مصرفی شخصی و خدمات غیررایگان که مردم درآمد نقدی خود را صرف آن می‌کنند، تنها توسط کار بخشی از جامعه، یعنی کارگران بخش تولید و حوزه خدمات غیررایگان حاصل می‌شوند. بنا به تجربه اتحاد جماهیر شوروی، خدمات غیررایگان شامل خدمات مسکن و عام‌المنفعه مانند پرداخت حق ایاب و ذهاب در تمام وسایل حمل و نقل مسافر، تئاتر، غذاخوری و غیره می‌باشد. این کالاهای مصرفی و خدمات حیات (هستی) کل جامعه، از جمله حوزه‌های غیر تولیدی و اجتماعی را تضمین می‌کند. مجموع درآمد پولی جمعیت نیز شامل دستمزد کارگران در حوزه غیرتولیدی (نهادهای دولتی، از جمله ارتش، پولیس و غیره)، حوزه خدمات رایگان (آموزش، بهداشت، درمان و غیره) و پرداخت‌های اجتماعی به بازنشستگان، معلولان و غیره نیز خواهد بود. مسلماً، کل هزینه‌های نیروی کار (برآورد دستمزد) برای تولید همه اقلام مصرفی و خدمات پولی باید در حد قابل توجهی کمتر از کل درآمدهای پولی نیروی کار و غیر کارگری جمعیت باشد. بنابراین، افزایش قیمت خردهفروشی کالاهای مصرفی و تعرفه خدمات فراتر از شدت نیروی کار تولید آن‌ها لازم است. این افزایش، همانطور که در زیر توضیح داده خواهد شد، ناشی از عملکرد کار برای جامعه است.

سخن از افزایش کلی (مجموع) قیمت خردهفروشی همه کالاهای مصرفی و خدمات پولی بیش از شدت کار یا هزینه آن‌ها در میان است (فورمول ۱.۱). میزان افزایش قیمت برای کالاهای مصرفی و خدمات مختلف (خاص) ممکن است متفاوت باشد: برای برخی از آن‌ها، قیمت‌های خرده فروشی ممکن است حتی کمتر از قیمت لازم تعیین شود یا کاملاً رایگان توزیع شوند (مثلاً داروها). مهم این است که مجموع قیمت‌های خردهفروشی همه اقلام مصرفی و خدمات ارائه شده به جمعیت، از کل درآمد پولی جمعیت بیشتر باشد. در غیر این صورت (اگر تقاضای جمعیت به طور کامل برآورده نشود)، در نتیجه کمبود کالاهای مصرفی (و خدمات)، نارضایتی در بین مردم ایجاد خواهد شد. این اتفاق بارها در اتحاد شوروی، به ویژه پس از دهه ۱۹۶۰ رخ داد. الگوی مورد بررسی، بر اساس تعداد محدود مطالب منتشره، می‌توان گفت، که به اندازه کافی تحقق، ارزیابی و مطالعه نشده بود. بنابراین، ما آن را با جزئیات بیشتر بررسی می‌کنیم.

در شیوه تولید سرمایه‌داری، قیمت‌ها به صورت «خود به خود» در بازار کالاهای مربوطه، عمدتاً تحت تأثیر عرضه و تقاضا، شکل می‌گیرند. در عین حال، می‌توان گفت که برابری درآمد و هزینه‌های پولی جمعیت «به‌طور خودکار» حفظ می‌شود و قیمت‌های بازار (معروف به خردهفروشی) برای اقلام مصرفی (و خدمات پولی) بیشتر از هزینه‌های تولید آن‌ها افزایش می‌یابد. روابط بین عوامل و فرآیندهای افزایش قیمت خردهفروشی بسیار پیچیده است و در اینجا مجال تعمق در آن‌ها نیست. فقط به این نکته اشاره کنیم که در اقتصاد بازار این افزایش با رعایت موازنه پولی کشور، به صورت «خود به خود» و «خودکار» اتفاق می‌افتد. همچنین می‌توان به ویژگی‌های زیر در شیوه تولید سرمایه‌داری اشاره کرد:

– افزایش قیمت‌های بازار بر هزینه‌های تولید نشان‌دهنده ارزش اضافی کالاهای مصرفی است که به سود برای صاحب آن‌ها تبدیل می‌شود. بخشی از این سود متعاقباً برای هزینه‌های عمومی به صورت مالیات به دولت منتقل می‌شود.

– قیمت ابزارهای تولید لازم برای تولید کالاهای مصرفی (و ارائه خدمات پولی) نیز در حال افزایش می‌یابد. این امر تحت تأثیر تمایل به شکل‌گیری میانگین نرخ بازده سرمایه گذاشته شده روی می‌دهد.

کار برای جامعه در بودجه دولت بورژوازی از طریق وضع مالیات بر درآمد و سایر مالیات‌ها جمع می‌شود. در نظر گرفتن منافع کارگران و مالکان خصوصی (سرمایه‌داران) به سیاست مالیاتی دولت بستگی دارد. وضع مالیات تصاعدی بر درآمد شخصی را که در همه کشورهای توسعه‌یافته معتبر است، می‌توان منصفانه‌ترین تلقی کرد، اما دولت و رئیس جمهور فدراسیون روسیه سرسختانه آن را رد می‌کنند.

سود ناشی از افزایش قیمت برای کالاهای مصرفی در نظام سرمایه‌داری، به این یا آن نسبت، به طور کلی به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱- در اختیار مالکان خصوصی که از آن‌ها تشکیل شده، باقی می‌ماند؛

– به صورت مالیات برای نیازهای عمومی (دولتی و اجتماعی) به بودجه دولتی وارد می‌شود.

در تولید سوسیالیستی وضعیت اساساً متفاوت خواهد بود. اولاً، تمام درآمد حاصل از افزایش قیمت خردهفروشی برای نیازهای عمومی (به دلیل عدم حضور مالکان خصوصی) در اختیار دولت خواهد بود. ثانیاً، قیمت‌های خردهفروشی باید توسط سازمان‌های دولتی در طول فرآیند توسعه برنامه‌ها تعیین شود. برای انجام این کار، ما به روش‌های مناسبی که بر اساس تحلیل عمیق فرآیندهای قیمت‌گذاری، و همچنین برای مراحل مختلف توسعه سوسیالیسم گردآوری شده‌اند، نیاز داریم.

سعی می‌کنیم با استفاده از فرمول‌ها و نمودارها این موضوع را با جزئیات بیشتر بررسی کنیم. همین جا لازم به ذکر است که هنگام برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی و تعیین قیمت محصولات و تعرفه خدمات، لازم است تمامی زمینه‌های فعالیت عمومی در نظر گرفته شود. بنابراین، برنامه‌ریزی برای حوزه تولید مادی باید نیازهای حوزه غیر تولیدی، حفظ تعادل پولی کشور در کل، تضمین اصول برابر پرداخت‌ها و غیره را در نظر بگیرد. تحقیق در مورد مشکلات فوق‌الذکر در این کتاب، لزوم تقسیم جامعه سوسیالیستی به حوزه‌های فعالیت زیر را آشکار کرده است:

بخش تولید (محصولات مادی) به دو بخش بنگاهی تقسیم می‌شود:

– گروه «الف»، بنگاه‌های تولید ابزار تولید؛

– گروه «ب»، بنگاه‌های تولید کالاهای مصرفی.

این‌ها تقسیمات «کلاسیک» بخش تولید هستند که توسط کارل مارکس در نظر گرفته شده است. با تجزیه و تحلیل موضوع، می‌توان ضرورت جدا کردن آن‌ها را در سوسیالیسم تأیید کرد، اما با یک توضیح مهم- گروه «ب»، معمولاً شامل مؤسساتی است که اقلام مصرفی که در خرده‌فروشی به عموم فروخته می‌شود، تولید می‌کنند و قیمت‌های خرده‌فروشی برای آن‌ها تعیین می‌شود. وجوه حاصل از فروش این اقلام کالاهای مصرفی به بودجه کشور وارد می‌شود.

کالاهای ساخت مؤسسات تولیدی برای مصرف عمومی که به طور رایگان به سازمان‌های غیرتولیدی منتقل می‌شوند، همیشه در گروه «الف» طبقه‌بندی می‌شوند، اما می‌توان آن‌ها به عنوان زیر گروه جداگانه در گروه «ب» نیز لحاظ کرد.

حوزه خدمات پرداختی به جمعیت. خدمات، تولید مادی نیستند و معمولاً هنگام تجزیه و تحلیل توسعه نیروهای مولد و روابط تولیدی مورد توجه قرار نمی‌گیرند. اما، همانطور که مطالعات نشان داده است، در اقتصاد سوسیالیستی، خدمات پرداختی باید در نظر گرفته شود. زیرا، درآمدهای حاصل از پرداخت برای خدمات نیز در بخش درآمد تراز پولی لحاظ می‌شود. بنابراین، هنگام تحلیل اقتصاد سوسیالیستی، حوزه خدمات پولی باید همراه با گروه «ب» بخش تولید در نظر گرفته شود.

ارائه خدمات مستلزم هزینه‌های معینی برای نیروی کار زنده و مادی است. کار زنده (v) را می‌تواند با دستمزد، مشابه تولید محصولات مادی، و کار مادی شده - با شدت کار تولید کالای مصرفی، انرژی و غیره که از حوزه تولید به دست می‌آید، ارزیابی شود. بنابراین، پیچیدگی ارائه این یا آن نوع خدمات می‌تواند به صورت $(c+v)$ معین شود.

قیمت خرده‌فروشی (تعرفه) برای یک خدمت پولی معمولاً باید بیشتر از شدت کار آن باشد تا تعادل پولی فوق‌الذکر کشور مانند اقلام مصرفی تضمین گردد.

ارائه خدمات رایگان را می‌توان به عنوان یک عرصه غیرمولد طبقه‌بندی کرد. آن را ذیلاً بررسی می‌کنیم.

ادامه دارد